

پزشک و بیماران

خانم دانا پزشک عمومی است. او روزهای شنبه، یکشنبه، دوشنبه، سه شنبه، چهارشنبه، و پنجشنبه کار می‌کند. او جمعه کار نمی‌کند. جمعه روز تعطیل است. خانم دانا صبح‌ها به بیمارستان می‌رود. او بیماران زیادی را معاینه می‌کند.

خانم دانا ساعت یک بعد از ظهر به خانه برمی‌گردد. او با پدر، مادر، و برادرش ناهار می‌خورد. او بعد از ناهار کمی استراحت می‌کند. او ساعت چهار بعد از ظهر به مطب خود می‌رود. در مطب او یک منشی کار می‌کند. منشی نام بیماران را در دفتر می‌نویسد. او بیماران را به نوبت از اتاق انتظار به داخل مطب می‌فرستد. خانم دانا به دقت به حرف بیماران گوش می‌کند. آنها برای بیماری‌های مختلف به ملاقات او می‌آیند: سرماخوردگی، دل درد، سر درد، تب و مانند اینها. خانم دانا نسخه‌ای می‌نویسد تا آنها را معالجه کند. خانم دانا هر شب خسته به خانه برمی‌گردد، اما کار خود را دوست دارد. مردم به دکتر دانا احترام می‌گذارند.



۱. خانم دانا چند روز در هفته کار نمی‌کند؟

یک روز

دو روز

۲. بیماران چه وقت با خانم دانا ملاقات می‌کنند؟

صبح

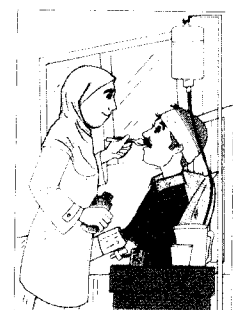
صبح و عصر

۳. خانم دانا قبل از رفتن به مطب چه می‌کند؟

استراحت می‌کند

با منشی خود ناهار می‌خورد

کدام شکل درست است و کدام یک نادرست است؟

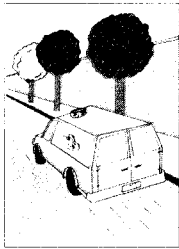


ما
شما
او
آنها
آن

۱. پرستار لباس سفیدی پوشید.
۲. مادرم باید داروها را به موقع بخورد.
۳. من و مهران به بیمارستان رفتیم.
۴. مردم به پزشکها احترام می گذارند.
۵. این دو بیمار در بیمارستان بستری شدند.
۶. من دارو را از داروخانه خریدم.
۷. من فردا به ملاقات تو و فاطمه می آیم.
۸. پزشکها بسیاری از بیماریها را درمان می کنند.



۱. راننده در تصادف زخمی شد.



۲. بیمار را با آمبولانس به بیمارستان بردند.

۳. بیمار در بیمارستان بستری شد.



۴. پزشک، بیمار را مرخص کرد.

۵. بیمار نسخه پزشک را به داروخانه برد.

۶. پرستار از بیمار مراقبت کرد.



۷. بیمار چند روز در خانه استراحت کرد.

۸. عمل جراحی چند ساعت طول کشید.